تحلیل

نفت برنت بالای ۱۰۰ دلار جا خوش کرد

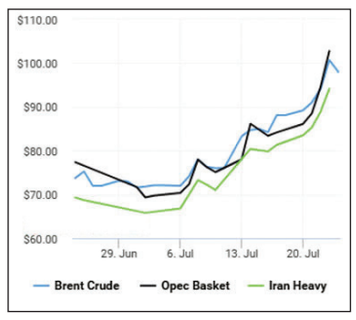

قیمت نفت برنت در معاملات روز جمعه بازار جهانی، به پیشروی در بالای ۱۰۰ دلار ادامه داد و تحت تاثیر نگرانی‌ها در مورد اختلال در جریان انرژی در دریای سرخ و ترس از پیامدهای شرارت نظامی امریکایی صهیونی بر عرضه، به سمت چهارمین رشد هفتگی متوالی پیش رفت. قیمت آتی نفت برنت با ۳۷ سنت یا ۰.۳۷ درصد افزایش، به ۱۰۱ دلار و ۶ سنت در هر بشکه رسید. نفت برنت در معاملات روز پنجشنبه در پی انتشار خبر هدف قرار گرفتن دو نفتکش سعودی در دریای سرخ، ۷ درصد افزایش یافت و برای اولین بار از ماه مه، در بالای ۱۰۰ دلار بسته شد. این شاخص قیمت بازار جهانی در مسیر ثبت ۱۴۶ درصد رشد هفتگی قرار دارد. قیمت آتی نفت وست تگزاس اینترمدیت امریکا (WTI) با تغییر اندکی به ۹۱ دلار و ۲۰ سنت در هر بشکه رسید که بالاترین حداز ۱۱ ژوئن است و در مسیر افزایش ۱۱.۸ درصدی هفتگی قرار گرفت. تحلیلگران شرکت «آی‌ان‌جی» روز جمعه در یادداشتی نوشتند: «اختلالات احتمالی عرضه که اکنون بازار با آن مواجه است، بزرگ‌تر از هر زمان دیگری در طول جنگ است. نه تنها جریان نفت از طریق تنگه هرمز اساسا متوقف شده است، بلکه خطرات آشکاری برای جریان نفت عربستان از دریای سرخ وجود دارد. تشدید بیشتر تنش‌ها در خلیج فارس و ترس از گسترش درگیری، مقدار قابل توجهی از عرضه نفت را در معرض خطر قرار می‌دهد.» بر اساس داده‌های ردیابی کشتی شرکت تحلیلی کپلر، تعداد نفتکش‌هایی که از تنگه هرمز عبور می‌کنند، روز پنجشنبه به تنها یک فروند کاهش یافت که کمترین میزان از هفتم مه است. مسیر کشتیرانی باب‌المندب، دسترسی از دریای سرخ به اقیانوس هند را کنترل می‌کند و دومین کانال مهم نفتی پس از تنگه هرمز است. همچنین روز پنجشنبه، وزارت انرژی قزاقستان اعلام کرد که شرکت‌های نفتی پس از حملات مشکوک پهپادهای اوکراینی که به تعطیلی پایانه اصلی صادرات این کشور در دریای سیاه منجر شد، موقتا تولید خود را کاهش داده‌اند. منابع صنعتی روز سه‌شنبه اعلام کردند که کنسرسیوم خط لوله خزر پس از تعلیق بارگیری به دلیل حملات به نفتکش‌ها در این پایانه، دریافت نفت از قزاقستان را متوقف کرده است. این مسیر حدود ۲ درصد از عرضه روزانه نفت خام جهان را منتقل می‌کند. بر اساس گزارش رویترز، وزارت انرژی قزاقستان میزان کاهش تولید را مشخص نکرد، اما یک منبع گفت که بزرگ‌ترین میدان این کشور بیش از نصف تولید خود را کاهش داده است.

ادامه از صفحه اول

بازار سرمایه و معمای خصوصی‌سازی

نمود عینی این بحران ساختاری را می‌توان در کش‌وقوس بیست‌ساله واگذاری غول‌های جاده مخصوص، یعنی ایران‌خودرو و سایپا مشاهده کرد. این دو مجموعه با کوهی از زیان‌های انباشته نجومی مواجهند که ناشی از همان قیمت‌گذاری دستوری است. افزون بر این، فقدان اراده‌ای پایدار در هسته سخت تصمیم‌گیری دولت برای خروج واقعی از مدیریت، به همراه دعاوی حقوقی فرساینده بر سر مالکیت و وثیقه‌بودن سهام، فرآیند واگذاری قطعی آنها را عملا قفل کرده است. این ناپایداری در قوانین و تزلزل تصمیم‌گیری‌های حاکمیتی، ریسک سیستماتیک شدیدی را به خریداران بالقوه تحمیل می‌کند. بازار سرمایه به‌عنوان بستر طبیعی انتقال مالکیت دولتی به مردم و بخش خصوصی، همواره از پیامدهای این سیاست‌ها رنج برده است. وقتی جذابیت اقتصادی صنایع به دلیل دخالت‌های دولت از بین می‌رود، بورس نیز پویایی خود را از دست می‌دهد؛ وضعیتی که بازتاب آن در ارزش فعلی بازار و رکوردهای سرد معاملاتی به خوبی عیان است. ایران امروز صاحب یکی از بزرگ‌ترین تصدی‌گری‌های دولتی در جهان است. تخمین زده می‌شود دولت به عنوان یک «هلدینگ صنعتی بسیار بزرگ»، مالکیت و مدیریت دارایی‌هایی به ارزش بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار را یدک می‌کشد. این ابعاد بزرگ نه تنها منبع درآمد پایدار نبوده، بلکه به دلیل بهره‌وری پایین مدیریت دولتی، به چاه ویل بودجه‌های سالانه مبدل شده است. با این حال، اصلاحاتی نظیر حذف ارز ترجیحی و تغییر فرمول قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی که در سال‌های اخیر کلید خورده، نشانه‌هایی از یک «تغییر پارادایم» احتمالی را نوید می‌دهد؛ شیفتی حیاتی از مدیریت دستوری سمت عرضه به سمت حاکمیت سازوکار بازار در سمت تقاضا. اگر این اصلاحات ساختاری با ثبات تصمیم‌گیری، کاهش ریسک‌های سیستماتیک و ثبات قوانین گمرکی و ارزی همراه شود، بازار سرمایه بستری ایده‌آل برای این جراحی بزرگ خواهد بود. پتانسیل ۴۰۰ میلیارد دلاری بازار سرمایه که پیش‌تر از سوی کارشناسان و متولیان ارشد بورس مطرح شده بود، دقیقا با فرض پذیرش و عرضه ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیارد دلار از صنایع و دارایی‌های دولتی در بورس و واگذاری واقعی مدیریت و مالکیت به سهامداران حقیقی و بخش خصوصی معنا پیدا می‌کند. تنها با عبور از نقش تصدی‌گری و تبدیل دولت به یک نهاد نظارتی و سیاستگذار در حوزه‌های حاکمیتی مانند آموزش، بهداشت و رفاه عمومی است که می‌توان به تحقق واقعی اصل ۴۴ قانون اساسی و شکوفایی اقتصاد ملی امیدوار بود.

ضرورت باز تعریف اولویت‌های بودجه در زمان جنگ

نکته مهم این است که این نوع صرفه جویی‌ها نباید صرفا به دوران جنگ محدود شود. حتی اگر فردا صلح برقرار شود، باز هم کشور به چنین اصلاحاتی نیاز دارد. مساله اصلی، ساختار بودجه‌ریزی و فقدان اولویت‌بندی دقیق است. اقتصاد ایران سال‌هاست از هزینه‌های زائد، ردیف‌های غیرشفاف و تخصیص‌های کم‌اثر رنج می‌برد. بحران فقط این ضعف‌ها را برجسته‌تر می‌کند. بنابراین اگر امروز درباره اصلاح بودجه سخن می‌گوییم، باید آن را مقدمه‌ای برای یک تغییر پایدار و عمیق بدانیم، نه اقدامی موقت و مقطعی.

«تعادل» از رسیدن چاه‌های غیرمجاز به مرز فرونشست خاموش گزارش می‌دهد

زمین تشنه، خانه‌های ناپایدار

گلناز پرتوی‌مهر |

بحران آب در ایران دیگر فقط یک مساله زیست‌محیطی یا کشاورزی نیست؛ این بحران حالا به سطحی رسیده که مستقیما با امنیت سکونت، پایداری سرزمین و حتی دوام زیرساخت‌های حیاتی کشور گره خورده. اگر تا چند سال پیش، افت سطح آب‌های زیرزمینی بیشتر در قالب هشدارهای فنی و گزارش‌های تخصصی مطرح می‌شد، امروز نشانه‌های آن به شکل عینی در فرونشست زمین، ترک‌خوردگی دشت‌ها، آسیب به راه‌ها و تاسیسات و تهدید سکونتگاه‌ها دیده می‌شود. آنچه این وضعیت را به مرحله هشدار جدی رسانده، فقط کاهش بارندگی یا خشکسالی نیست؛ مساله اصلی، برداشت بی‌رویه و کنترل نشده از آبخوان‌هایی است که طی دهه‌ها به‌عنوان حساب پس‌انداز سرزمینی ایران مصرف شده‌اند.

برآوردها از وجود نزدیک به یک میلیون حلقه چاه در کشور حکایت دارد؛ عددی که به‌تنهایی تصویری روشن از ابعاد فشار بر منابع آب زیرزمینی ارائه می‌دهد. نگران‌کننده‌تر آنکه حدود ۴۵ درصد این چاه‌ها غیرمجاز برآورد می‌شوند؛ یعنی چیزی در حدود ۴۵۰ هزار حلقه چاه خارج از ضابطه، خارج از کنترل موثر و در بسیاری موارد خارج از هرگونه نظام پایش دقیق. این عدد فقط یک آمار خشک نیست؛ معنای واقعی آن این است که در بخش بزرگی از جغرافیای ایران، برداشت آب از زیرزمین سال‌هاست از ظرفیت تجدیدپذیر سفره‌ها عبور کرده و نظام مدیریتی نیز یا نتوانسته یا نخواسته در برابر آن بایستد. ریشه‌های این بحران را باید در چند دهه عقب‌تر جست‌وجو کرد؛ زمانی که فناوری برداشت مکانیکی آب، با هزینه کم و سهولت بالا، به ابزاری فراگیر تبدیل شد. این فناوری در ظاهر قرار بود توسعه کشاورزی، افزایش تولید و رفاه بیشتر را به همراه داشته باشد، اما در عمل، در غیاب حکمرانی سختگیرانه و تنظیم‌گری موثر، به دریچه‌ای برای تخلیه شتاب‌زده منابع زیرزمینی بدل شد. در دهه‌هایی که توسعه کشاورزی و سکونت در بسیاری از مناطق فراتر از ظرفیت طبیعی حوضه‌های آبریز پیش رفت، چاه‌ها یکی یکی اضافه شدند؛ بعضی با مجوز، بسیاری بدون مجوز و برخی هم در سایه اغماض و مماشات ساختاری.

همین جا باید به یک واقعیت تلخ اشاره کرد: بحران کنونی فقط محصول کم‌آبی طبیعی نیست، بلکه نتیجه مستقیم یک الگوی توسعه ناپایدار است. فشار برای گسترش سطح زیر کشت، افزایش جمعیت، استقرار صنایع و ایجاد سکونت در مناطقی که اساسا ظرفیت آبی محدودی داشته‌اند، باعث شده زمین بیش از آنچه توان دارد، وادار به تامین آب شود. در این میان، آب زیرزمینی ساده‌ترین و در دسترس‌ترین منبع بوده؛ منبعی که چون دیده نمی‌شود، تخریب آن هم دیرتر درک می‌شود. اما اکنون آن مرحله به پایان رسیده و فرونشست زمین، صورت‌حساب سنگین سال‌ها اضافه برداشت را روی میز گذاشته است.

اختلاف آمارها درباره حجم واقعی اضافه‌برداشت نیز خود به بخشی از مساله تبدیل شده است. در حالی که برخی برآوردهای رسمی، میزان اضافه‌برداشت تجمعی آب زیرزمینی را تا سال ۱۴۰۰ حدود ۱۵۰ میلیارد مترمکعب اعلام می‌کنند، مطالعات دانشگاهی مبتنی بر داده‌های ماهواره‌ای این عدد را تا ۳۶۰ میلیارد مترمکعب بالا می‌برند. در برآورد اضافه‌برداشت سالانه نیز تفاوت معناداری وجود دارد؛ از حدود ۴.۵ میلیارد مترمکعب در آمارهای رسمی تا بیش از ۱۵ میلیارد مترمکعب در برخی پژوهش‌ها. این شکاف آماری صرفا یک اختلاف فنی نیست؛ بلکه نشانه‌ای است از اینکه کشور هنوز تصویر واحد، شفاف و مورد اجماعی از عمق بحران ندارد. وقتی درباره اندازه واقعی بحران توافق وجود نداشته باشد، طبیعی است که نسخه‌های درمانی نیز یا ناکافی باشند یا با تاخیر اجرا شوند. اما فرونشست زمین دقیقا چرا تا این حد خطرناک است؟ پاسخ در ماهیت برگشت‌ناپذیر آن نهفته است. هنگامی که آب از لایه‌های زیرزمینی برداشت می‌شود، رطوبت و فشار نگهدارنده در فضای میان ذرات خاک و رسوبات کاهش می‌یابد. در نتیجه، تخلخل طبیعی لایه‌ها از بین می‌رود و زمین تحت وزن خود و بار سازه‌های سطحی شروع به نشست می‌کند. برخلاف تصور عمومی، این فقط یک افت موقتی نیست که با چند سال بارش جبران شود. وقتی ساختمان طبیعی آبخوان فشرده شد، در بسیاری از موارد دیگر امکان بازگشت به حالت اولیه وجود ندارد. به همین دلیل است که فرونشست را باید نه صرفا یک آسیب قابل مدیریت، بلکه نوعی تخریب دایمی سرمایه سرزمینی دانست. خطر این پدیده تنها متوجه اراضی کشاورزی نیست. وقتی زمین می‌نشیند، جاده‌ها ترک می‌خورند، خطوط انتقال انرژی و آب آسیب می‌بینند، سازه‌های شهری در معرض ناایمنی قرار می‌گیرند و در نهایت سکونت در برخی مناطق با تهدید جدی مواجه می‌شود. استان‌هایی مانند اصفهان، کرمان، خراسان‌ها، گلستان، مرکزی و همدان اکنون در زمره مناطق پرخطر قرار دارند؛ مناطقی که در آنها مساله فقط کمبود آب نیست، بلکه مساله از دست رفتن پایداری فیزیکی زمین است. اینجاست که بحران آب از حوزه منابع طبیعی عبور می‌کند و به موضوعی امنیتی، اجتماعی و حتی جمعیتی تبدیل می‌شود. مهاجرت اجباری، کاهش ارزش اراضی، تخریب زیرساخت‌ها و افزایش هزینه‌های عمومی، فقط بخشی از پیامدهای این روند است.

یکی از اشکالات جدی در مواجهه با بحران، تداوم نگاه مالی به مساله‌ای است که ماهیت آن اساسا غیرقابل جبران با پول است. در برخی موارد، اضافه‌برداشت یا تخلفات مرتبط با بهره‌برداری از آب، با جریمه‌های نقدی پاسخ داده می‌شود؛ گویی می‌توان نابودی یک آبخوان یا نشست یک دشت را با پرداخت مبلغی جبران کرد. این در حالی است که خسارت به سفره‌های زیرزمینی و لایه‌های زمین، برخلاف بسیاری از خسارت‌های اقتصادی، لزوما قابل بازسازی نیست. وقتی پدیده‌ای با ماهیت برگشت‌ناپذیر رخ می‌دهد، سیاست جریمه به‌تنهایی نه بازدارنده است و نه درمانگر. از این رو، حل بحران فرونشست نیازمند یک تغییر بنیادین در رویکرد حکمرانی آب است. نخستین گام، پذیرش واقعیت بحران بدون ملاحظه‌های سیاسی و اداری است. تا زمانی که مساله در حد هشدارهای مقطعی و گزارش‌های مناسبتی باقی بماند، اتفاق تعیین‌کننده‌ای رخ نخواهد داد. گام دوم، انسداد واقعی چاه‌های غیرمجاز و کنترل سختگیرانه برداشت از چاه‌های مجاز است؛ نه در حرف، بلکه با سازوکارهای اجرایی روشن، پایش مستمر و پاسخگویی نهادی. گام سوم، بازتنظیم الگوی مصرف آب به‌ویژه در بخش کشاورزی است؛ بخشی که بیشترین فشار را بر منابع زیرزمینی وارد می‌کند. کاهش مصرف در این حوزه، بدون اصلاح الگوی کشت، سرمایه‌گذاری در آبیاری کارآمد و حمایت از معیشت جایگزین برای بهره‌برداران، ممکن نخواهد بود. در اسناد بالادستی، از جمله برنامه‌های توسعه، بارها بر کاهش برداشت از آب‌های زیرزمینی تاکید شده، اما فاصله میان هدف‌گذاری و اجرا همچنان زیاد است. تجربه سال‌های گذشته نشان داده که تعویق تصمیم‌های سخت، فقط هزینه‌های آینده را بیشتر می‌کند. نمی‌توان با امید به بارش‌های مقطعی یا طرح‌های نیمه‌کاره، از کنار بحرانی گذشت که به آرامی اما مستمر، بنیان فیزیکی سرزمین را فرسوده می‌کند. امروز مساله بر سر نجات یک منبع آب نیست؛ مساله بر سر نجات زمین است. سرزمینی که زیر پایش خالی می‌شود، دیگر فقط با کم‌آبی روبه‌رو نیست؛ با تهدید ناپایداری و از دست رفتن ظرفیت زیست‌پذیری مواجه است. اگر قرار است ایران از این پیچ تاریخی عبور کند، باید بپذیرد که دوره توسعه بر پایه حفر بیشتر، برداشت بیشتر و چشم‌پوشی بیشتر به پایان رسیده. فرونشست، هشدار آخر طبیعت نیست؛ نشانه آن است که هشدارهای قبلی جدی گرفته نشده‌اند.

در گفت‌وگو با ایسنا عنوان شد

ماینینگ غیرمجاز، عامل ۳۰ درصد از ناترازی برق کشور

مجری نظارت و ساماندهی استخراج رمزدارایی شرکت توانیر با بیان اینکه برآورد ها از مصرف بیش از ۲ هزار مگاواتی ماینینگ غیرمجاز در کشور حکایت دارد، گفت: این میزان مصرف می‌تواند بین ۲۰ تا ۳۰ درصد ناترازی برق کشور را به خود اختصاص بدهد و با وجود افزایش روند کشفیات، نبود بازدارندگی کافی در برخوردهای قانونی موجب تداوم و افزایش این پدیده شده است. هادی سفیدمو در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به برآورد مصرف برق ماینینگ غیرمجاز در کشور اظهار کرد: بر اساس اطلاعات نسبتا صحیح، مصرف ماینینگ غیرمجاز در کشور بیش از ۲ هزار مگاوات است که این مقدار مصرف بین ۲۰ تا ۳۰ درصد ناترازی را به خودش اختصاص می‌دهد؛ یعنی بین ۲۰ تا ۳۰ درصد از ناترازی می‌تواند ناشی از ماینینگ غیرمجاز باشد. وی درباره زمان گسترش این پدیده گفت: از سال ۱۳۹۸ پدیده استخراج رمزدارایی در کشور به‌طور جدی وارد فاز عملیاتی شده است البته قبل از این سال نیز این پدیده وجود داشت، اما به شکل بسیار محدود انجام می‌شد. از سال ۱۳۹۸ اوج شروع این فعالیت بوده و تاکنون نیز ادامه دارد. سفیدمو درباره آمار کشفیات ماینرهای غیرمجاز بیان کرد: از سال ۱۳۹۸ تاکنون بیش از ۲۹۰ هزار دستگاه ماینر غیرمجاز کشف شده و از ابتدای سال ۱۴۰۵ تاکنون نیز بیش از ۹۰۰۰ دستگاه ماینر غیرمجاز کشف شده است. وی ادامه داد: در این میان استان‌های خوزستان، تهران، آذربایجان شرقی و خراسان رضوی بیشترین ماینینگ و استخراج را دارند. یکی از دلایل عمده این موضوع در استان‌های مرزی، سهولت ورود ماینر به کشور است. در استان خوزستان نیز یکی از دلایل اصلی، شبکه پرقدرت توزیع نیروی برق است که تأمین برق ماینرها در آن کمتر با مشکل مواجه می‌شود. در استان خراسان رضوی نیز مرزی بودن استان و همچنین خاموشی‌های بسیار کمتر از جمله دلایل این موضوع است. استان هرمزگان نیز به دلیل وجود مرز آبی و شبکه پایدار برق، جزو استان‌های آلوده در این حوزه محسوب می‌شود. مجری نظارت و ساماندهی استخراج رمزدارایی شرکت توانیر درباره نحوه تأمین برق ماینرهای غیرمجاز گفت: بیشتر فعالیت ماینرهای غیرمجاز از طریق برق غیرمجاز، دستکاری کنتور، گرفتن انشعاب غیرمجاز از شبکه، گرفتن برق از پشت کنتور یا تعرض به شبکه‌های توزیع برق انجام می‌شود. در حال حاضر مصرف ماینینگ مجاز بسیار محدود است، اما عمده مصرف مربوط به ماینینگ غیرمجاز است و بیش از ۹۰ درصد آن از برق غیرمجاز شبکه استفاده می‌کند. وی درباره الگوی مصرف ماینرها در فصول مختلف سال نیز اظهار کرد: الگوی ماینرها در فصل گرما و سرما تفاوتی با یکدیگر ندارد و الگوی مصرف آنها ثابت است. ماینرها به‌طور مستمر و مداوم مشغول مصرف برق و انجام عملیات استخراج هستند و اصولا فعالیت آنها ارتباطی با فصل ندارد و پردازش داده‌ها را بدون وقفه انجام می‌دهند. سفیدمو افزود: گرمای ناشی از این پردازش باید توسط سیستم‌های سرمایشی جبران شود، بنابراین یکی از دلایل افزایش مصرف در تابستان، فعالیت بیشتر سیستم‌های سرمایشی است؛ در غیر این صورت مصرف خود ماینر در زمستان و تابستان ثابت است. وی درباره دستگاه‌های مسوول در مقابله با ماینینگ غیرمجاز گفت: دستگاه‌های متولی در این حوزه چند دسته هستند. بخشی از آنها باید از ورود ماینرهای غیرمجاز جلوگیری کنند که شامل گمرک، فراجا و دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی هستند. این دستگاه‌ها باید مانع ورود ماینر قاچاق به کشور شوند. وی ادامه داد: بخش دیگر، دستگاه‌هایی هستند که مرجع صدور پروانه استخراج قانونی بر اساس مصوبه هیات وزیران هستند و باید تکالیف خود را به درستی انجام دهند که بخشی از این وظایف به‌طور کامل انجام نمی‌شود و همین موضوع زمینه بروز ماینینگ غیرمجاز را فراهم می‌کند. وزارت صمت در ابتدای این فرآیند قرار دارد و پس از آن ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، پلیس امنیت اقتصادی، مجموعه پلیس فراجا، وزارت اطلاعات در جلوگیری از ورود ماینرهای قاچاق و مقابله با ماینینگ غیرمجاز نقش موثری دارند.

مجری نظارت و ساماندهی استخراج رمزدارایی شرکت توانیر خاطرنشان کرد: متأسفانه به دلیل اینکه عمده فشار این ماینرها بر صنعت برق و شبکه‌های برق وارد می‌شود، این موضوع بیش از همه در این بخش خود را نشان می‌دهد. صنعت برق نیز اقدامات بسیاری انجام داده، اما برخورد با این پدیده به تنهایی برای این صنعت امکان‌پذیر نیست؛ زیرا برای ورود به محل فعالیت غیرمجاز باید حکم قضایی وجود داشته باشد و حضور پلیس نیز الزامی است. بنابراین دو اهرم اصلی برای برخورد لازم است و نبود هر یک از آنها موجب می‌شود برخورد سریع و به‌موقع انجام نشود.

وی تأکید کرد: همکاری همه دستگاه‌های اجرایی، قضایی، امنیتی و اطلاعاتی در این زمینه مورد انتظار است البته تاکنون همکاری خوبی صورت گرفته، اما برای ادامه همکاری و تشدید برخوردها همچنان جای کار زیادی وجود دارد. سفیدمو درباره روند برخورد با ماینینگ غیرمجاز در سال‌های اخیر نیز گفت: روند برخورد با ماینینگ غیرمجاز در سال‌های اخیر رو به رشد بوده که ناشی از همکاری بهتر دستگاه‌های امنیتی، اطلاعاتی و دستگاه قضا است، اما همچنان برای مقابله با این پدیده باید همکاری مستمرتر و گسترده‌تری شکل بگیرد. عملکرد سال ۱۴۰۴ نسبت به سال ۱۴۰۳ تقریبا سه برابر شده بود و عملکرد امسال نیز نسبت به سال قبل مشابه است، البته با توجه به اینکه در ابتدای سال جنگ ۴۰ روزه را داشتیم. مجری نظارت و ساماندهی استخراج رمزدارایی شرکت توانیر در پایان درباره علت تداوم ماینینگ غیرمجاز گفت: یکی از دلایل اینکه ماینینگ غیرمجاز متوقف نشده و همچنان رو به افزایش است، بازدارنده نبودن برخوردهای صورت گرفته از سوی دستگاه قضا و قوانین موجود است؛ زیرا فرد متخلف شناسایی و دستگاه‌های او کشف می‌شود، اما همان شخص دوباره اقدام به استفاده غیرمجاز و تکرار این فعالیت می‌کند. وی تصریح کرد: بنابراین مجازات‌هایی که برای این افراد در نظر گرفته شده بازدارندگی لازم را ندارد. پیشنهادی که در کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس ارایه کرده‌ایم می‌تواند بازدارندگی را افزایش دهد و جرم‌انگاری این اقدام همچنان از مطالبات صنعت برق است.

تا دهه آینده

مصرف برق مراکز داده ۴ برابر می‌شود

پیش‌بینی می‌شود مراکز داده تا سال ۲۰۳۵، یک پنجم برق تولید شده در امریکا را مصرف کنند که چهار برابر بیشتر از حال حاضر است. به گزارش ایسنا، بلومبرگ نیوانرژی فاینانس در گزارش جدیدی، پیش‌بینی کرد افزایش رایانش هوش مصنوعی، ظرفیت مراکز داده را در دهه آینده به نزدیک به ۲۰۰ گیگاوات خواهد رساند. تقریبا نیمی از این ظرفیت به آموزش و استنتاج اختصاص خواهد یافت و عمده آن در امریکا متمرکز خواهد ماند. تا سال ۲۰۳۳، این کشور میزبان ۶۴ درصد از تراشه‌های هوش مصنوعی از نظر تقاضای برق خواهد بود. با این حال، بر اساس پیش‌بینی‌های قبلی، این ارقام می‌توانند محافظه‌کارانه باشند.

برآورد جدید بلومبرگ نیوانرژی فاینانس از تقاضا برای برق در سال ۲۰۳۵، به میزان ۸۳ درصد بیشتر از پیش‌بینی این شرکت مشاوره در دسامبر گذشته است. سایر سازمان‌ها نیز پیش‌بینی‌های خود را افزایش داده‌اند. سازمان غیرانتفاعی صنعت برق (EPRI)، تخمین خود را برای سال ۲۰۲۴ بیش از دو برابر کرده است، در حالی که پیش‌بینی «اس‌اند‌پی» بین ماه‌های اکتبر تا آوریل، بیش از یک سوم افزایش یافته است. این بازنگری‌ها نشان‌دهنده سرعت بالای توسعه مراکز داده در سراسر امریکا است. بلومبرگ نیوانرژی فاینانس انتظار دارد در دهه آینده، اکثر مراکز داده جدید به شبکه‌های برقی که از قبل تحت فشار هستند، متصل شوند. حدود ۳۴ درصد از برق سازمان انتقال برق «پی‌جی‌ام اینترکانکشن» که ویرجینیا را تا ایلینوی در بر می‌گیرد، به مراکز داده اختصاص خواهد یافت، در حالی که اپراتور برق ERCOT که بیشتر تگزاس را پوشش می‌دهد، باید ۲۲ درصد از ظرفیت تولید خود را به این امر اختصاص دهد.

«پی‌جی‌ام اینترکانکشن» که در حال حاضر میزبان تعداد زیادی از مراکز داده امریکا است، برای مقابله با درخواست‌های اتصال از سوی ژنراتورهای بزرگ و بارهای بزرگ با مشکل مواجه شده. این شرکت درخواست‌ها برای اتصال منابع جدید به شبکه را به مدت چهار سال متوقف کرده است. اگرچه «پی‌جی‌ام» در آوریل صف منابع تولید جدید را دوباره باز کرد، اما اوضاع آنقدر وخیم شده که یکی از شرکت‌های برق به نام «امریکن الکتریک پاور»، تهدید کرده است که از این اتصال خارج خواهد شد. عدم تعادل عرضه و تقاضا، قیمت برق را در طول سال گذشته ۷۶ درصد افزایش داده است. بر اساس گزارش تِک کرانچ، حتی با وجود ازدحام، مراکز داده همچنان می‌خواهند به «پی‌جی‌ام» متصل شوند و این مراکز ۳۸ درصد از هزینه‌ها را در آخرین حراج ظرفیت مدیر شبکه نشان دادند. با وجود اینکه امریکا ادعا می‌کند بخش عمده‌ای از رایانش هوش مصنوعی را در اختیار دارد، مراکز داده به رشد خود در مناطق دیگر ادامه خواهند داد. تا سال ۲۰۳۳، اگر پذیرش هوش مصنوعی با روند پرشتاب ادامه یابد، مراکز داده ۱۹۳۵ تراوات ساعت تقاضای برق جدید در سراسر جهان ایجاد خواهند کرد که تقریبا به اندازه مصرف سالانه هند است.

با هدف حفظ ذخایر سوخت کشور

عرضه CNG در بیش از هزار جایگاه رایگان شد

رییس هیات‌مدیره انجمن صنفی CNG کشور از آغاز پویشی با مشارکت داوطلبانه بیش از هزار جایگاه CNG در کشور خبر داد و گفت: در شرایط حساس کنونی و با توجه به شرایط جنگی کشور، جایگاه‌داران و بهره‌برداران CNG با همکاری شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران و شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی، با هدف کمک به مردم، حفظ ذخایر سوخت مصرف بی‌رویه بنزین، اقدام به عرضه رایگان CNG کرده‌اند. به گزارش ایسنا، احسان جان‌محمدی اظهار کرد: بر اساس این پویش، بیش از یک هزار جایگاه CNG در سراسر کشور از تاریخ اول مردادماه تا اطلاع ثانوی، به‌صورت کاملا داوطلبانه و با هزینه جایگاه‌داران و بهره‌برداران، گاز طبیعی فشرده (CNG) را به‌صورت رایگان در اختیار مردم قرار می‌دهند. وی افزود: بر این اساس، هر شهروندی که با خودروی دوگانه‌سوز خود به جایگاه‌های مشارکت‌کننده در این پویش مراجعه کند، بدون پرداخت هیچ‌گونه وجهی می‌تواند سوخت CNG مورد نیاز خود را دریافت کند. این اقدام، تصمیمی کاملا داوطلبانه از سوی جایگاه‌داران و بهره‌برداران CNG است که با هدف کمک به مردم در شرایط اقتصادی کنونی، ایفای مسوولیت اجتماعی و همچنین همراهی با برنامه‌های مدیریت مصرف سوخت کشور انجام می‌شود. وی با اشاره به ضرورت مدیریت مصرف بنزین در شرایط فعلی کشور گفت: با توجه به شرایط خاص و جنگی کشور، حفظ و صیانت از ذخایر سوخت و جلوگیری از مصرف بی‌رویه بنزین، یک ضرورت ملی است و صنعت CNG می‌تواند نقش مهمی در این زمینه ایفا کند. به همین دلیل، جایگاه‌داران و بهره‌برداران این صنعت به‌صورت داوطلبانه تصمیم گرفته‌اند با عرضه رایگان CNG، زمینه استفاده بیشتر مردم از این سوخت را فراهم کنند. از تمامی دارندگان خودروهای دوگانه‌سوز، به‌ویژه تاکسی‌ها، وانت‌بارها و سایر خودروهای عمومی و شخصی دوگانه‌سوز درخواست می‌کنیم در این شرایط حساس، حتی‌الامکان از مصرف بنزین خودداری کرده و با مراجعه به جایگاه‌های CNG سراسر کشور، از این سوخت پاک و اقتصادی استفاده کنند. وی تأکید کرد: استفاده بیشتر از CNG در شرایط فعلی، علاوه بر کمک به حفظ ذخایر بنزین کشور، موجب کاهش فشار بر مصرف این سوخت و مدیریت بهتر منابع انرژی کشور خواهد شد و مردم نیز می‌توانند با استفاده از ظرفیت خودروهای دوگانه‌سوز خود، در این حرکت ملی مشارکت کنند. رییس هیات‌مدیره انجمن صنفی CNG کشور در پایان ضمن قدردانی از مشارکت داوطلبانه جایگاه‌داران و بهره‌برداران CNG در سراسر کشور گفت: پویش «یکدل برای ایران؛ CNG رایگان برای مردم ایران» نمادی از همراهی و همدلی فعالان صنعت CNG با مردم و کشور در شرایط حساس کنونی است و امیدواریم با مشارکت مردم و استفاده حداکثری از ظرفیت خودروهای دوگانه‌سوز، بتوانیم در مدیریت مصرف سوخت و حفظ ذخایر انرژی کشور سهمی موثر داشته باشیم.

اخبار

نماینده تهران:

اگر ایران نتواند نفت صادر کند هیچ کشوری در منطقه نیز نخواهد توانست

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی تاکید کرد: اگر قرار باشد ایران نتواند نفت صادر کند، هیچ کشوری از منطقه نیز نباید نفت صادر کند. کشورهای منطقه باید بدانند که ایران توان ضربه زدن به زیرساخت‌های انرژی آنها و سایر زیرساخت‌ها را دارد. به گزارش ایسنا حجت‌الاسلام علیرضا سلیمی، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، امروز (پنجشنبه ۱ مرداد) در حاشیه مراسم گرامیداشت شهیده زهرا حداد عادل در جمع خبرنگاران در واکنش به حمله دشمن امریکایی به نقطه‌ای در اطراف مرز شلمچه گفت: این اقدامات نشان می‌دهد که آنها هیچ مرز اخلاقی، قانونی و حتی ضوابط بشردوستانه را رعایت نمی‌کنند. وی در ادامه اظهار کرد: ترامپ و همراهانش تصور می‌کنند که با این اقدامات می‌توانند ملت ایران را متوقف کنند. به نظر من هدف قرار دادن مرز شلمچه، برای به حاشیه راندن مساله اربعین بوده است، اما آنها نه عاشورا را می‌شناسند، نه امام حسین(ع) را می‌شناسند و نه ملت حسینی ایران را. هیچ‌کدام از این واقعیت‌ها را نمی‌شناسند. نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: امروز معادله «چشم در برابر چشم» پاسخگو نیست و باید یک ضربه آنها با چندین ضربه پاسخ داده شود تا از رفتارهای جنایتکارانه خود پشیمان شوند. وی با بیان اینکه «ترامپ فردی جنایتکار است» افزود: کسی که کودکان خردسال را در جزیره اپستین مورد تعرض قرار می‌دهد بویی از انسانیت نبرده است. اگر زیرساخت‌های کشورها، به‌ویژه اگر تهران مورد حمله قرار گیرد، زیرساخت‌های آنها نیز در معرض تعرض قرار خواهد گرفت. امریکایی‌ها در اتاق شیشه‌ای قرار دارند و اگر زیرساخت‌های ما را هدف قرار دهند، ما نیز به‌طور متقابل و چندبرابر پاسخ خواهیم داد. وی ادامه داد: اگر قرار باشد ایران نتواند نفت صادر کند، هیچ کشوری از منطقه نیز نباید نفت صادر کند. کشورهای منطقه باید بدانند که ایران توان ضربه زدن به زیرساخت‌های انرژی آنها و سایر زیرساخت‌ها را دارد. این نماینده مجلس همچنین خطاب به ترامپ و دامادش گفت: آنها که در بسیاری از شرکت‌های کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس شریک هستند، بدانند که در چنین شرایطی بیش از دیگران از نظر اقتصادی آسیب خواهند دید و اقتصاد دنیا نیز با بحران مواجه خواهد شد.

تولید نفت چین رکورد زد

اداره ملی انرژی چین اعلام داد که چین سال گذشته با تولید ۲۱۶ میلیون تن نفت خام، رکورد جدیدی را ثبت کرد و تولید گاز طبیعی این کشور نیز به میزان قابل توجهی افزایش یافت. به گزارش ایسنا، تولید نفت و گاز چین از نظر معادل نفت در مجموع به ۴۲۰ میلیون تن افزایش یافت که رکورد بالایی است و خودکفایی و امنیت انرژی ملی را به میزان چشمگیری تقویت کرد. طبق اعلام اداره ملی انرژی، تولید گاز طبیعی چین در سال میلادی گذشته به میزان بیش از ۱۰ میلیارد متر مکعب افزایش یافت و نرخ رشد سالانه برای نهمین سال متوالی بدون تغییر ماند. شرکت‌های نفت و گاز چین نیز ذخایر خود را افزایش دادند و حجم جدید نفت و گاز قابل بازیابی به ۱.۳۲ میلیارد تن معادل نفت رسید. این گزارش همچنین نشان داد که این رقم ۵